



۱) اگر از خطوط تصویری بگذریم، نخستین نظام نوشتاری شناخته‌شده، خط میخی سومری است. این خط با ابزارهای نوک‌تیز بر روی گل نوشته می‌شد و قدمت نخستین لوحه‌های گلی سومری به ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. در این نظام نوشتاری، برای کل کلمه یک علامت به کار می‌رفت و علائم به هیچ وجه منعکس‌کننده آواها یا اجزای معنایی کلمه نبودند. این خطوط، «واژه‌نگار» نامیده می‌شدند. بعدها خط میخی برای ثبت زبانهای دیگری چون اکدی، عیلامی و فارسی باستان به کار رفت که در این زبانها خط بیشتر «هجانگار» بود، یعنی هر علامت برای نشان دادن یک هجا به کار می‌رفت. در مصر باستان (که احتمال می‌رود ایده نوشتن را از سومریان آموخته باشند) خط هیروگلیف، مستقل از خط میخی شکل گرفت و در آن، علائم نوشتاری فقط منعکس‌کننده یک یا دو یا سه صامت/همخوان (consonant) بودند. در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد تحت تأثیر احتمالی این خط، یک نظام نوشتاری منعکس‌کننده صامتها شکل گرفت که به «کنعانی اولیه» معروف است. این نظام در حوالی ۱۰۰۰ پیش از میلاد برای نوشتن زبان عبری به کار می‌رفت. در سده‌های بعدی، روشهایی برای انعکاس برخی مصوتها/واکه‌ها (vowels) در زبانهای آرامی و عبری شکل گرفت. در حدود سالهای ۸۰۰ پیش از میلاد تلاشهایی برای اقتباس الفبای فینیقی (که اصولاً فقط صامتها

را منعکس می‌کرد) و استفاده از آن برای نوشتن یونانی باستان انجام گرفت و از این رهگذر، نخستین نظامهای الفبایی متولد شدند.

۲) در ایران باستان در حوالی ۵۰۰ قبل از میلاد، گونه‌ای از خط میخی، از خط میخی اکدی اقتباس شد که برخی از علائم آن هجانگار و برخی صامت‌نگار بودند. این نظام نوشتاری در سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی به کار رفت. در دوره اشکانی و ساسانی، خطوطی با اصل آرامی (از زبانهای سامی رایج در بین‌النهرین) و در واقع قلمهای مختلفی از خط آرامی برای نوشتن زبانهای ایرانی به کار رفتند. یکی از این خطوط، خطی است که با عنوان «خط پهلوی» از آن یاد می‌شود و حجم قابل توجهی از کتب و رسالات فارسی میانه با آن نوشته شده است. این نظام نوشتاری معمولاً فقط آواهای صامت زبان را منعکس می‌کرد و مصوتها می‌بایست بر اساس شم زبانی خواننده و با توجه به شکل ظاهری کلمه بازسازی می‌شدند. همچنین این نظام نوشتاری فقط ۱۴ علامت داشت و بیشتر علائم، نمایانگر بیش از یک آوا بودند؛ مثلاً آواهای «د»، «ج»، «گ» و «ی» با علامتی واحد نشان داده می‌شدند. در دوره ساسانی دو نظام الفبایی دیگر نیز در ایران ابداع شد: اول، خطی بود که موبدان زردشتی بر اساس خط پهلوی و برای انعکاس دقیق متون اوستا (که در آن دوره زبانی مرده محسوب می‌شد) ابداع کردند و بعدها همین خط برای نوشتن برخی از دیگر متون فارسی میانه نیز به کار رفت؛ و دوم، الفبایی بود که مانویان برای نوشتن آثار خود به زبانهای سغدی و پهلوی اشکانی به کار می‌بردند و مصوتها را تا حد زیادی منعکس می‌کرد.

در دوره اسلامی گونه‌ای از الفبای آرامی که هنگام ظهور اسلام برای نوشتن زبان عربی به کار می‌رفت، برای نوشتن زبان فارسی استفاده شد. در این نظام نوشتاری نیز مانند سایر خطوط برگرفته از آرامی، انعکاس مصوتها به طور ناقص صورت می‌گیرد و در واقع، مصوتهای کوتاه در خط منعکس نمی‌شوند. در زبانهای سامی برای رفع این مشکل قبلاً راه حلی در نظر گرفته شده بود. این راه حل که تحت تأثیر هندیها (که ضمائی را در سمت راست، چپ، بالا یا زیر علامت نوشتاری اصلی می‌افزودند) به وجود آمده بود، استفاده از علائم اختیاری غیرزنجیره‌ای بود. در سریانی و عبری برای نشان دادن مصوتهای کوتاه، نقطه‌هایی بر بالا یا زیر علائم اصلی (صامتها) اضافه می‌کردند. در عربی هم برای نشان دادن این نوع مصوتها و همچنین برخی فرایندهای صرفی (مانند تنوین) از علائم کوتاه غیرزنجیره‌ای و اختیاری استفاده شد و همین روش امروزه نیز در نظام نوشتاری عربی و همچنین فارسی به کار می‌رود. از سوی دیگر، گونه الفبایی اقتباس شده برای فارسی، دارای علائمی بود که در زبان عربی، آواهای متمایزی به شمار

می‌رفتند ولی در فارسی، هیچ تمایز آوایی‌ای را نشان نمی‌دادند (مانند «س»، «ص» و «ث» که در فارسی، همه [s] تلفظ می‌شوند). این علائم نیز در نظام نوشتاری فارسی همچنان باقی ماندند و حاصل، عدم وجود تناظر یک به یک بین آواها و علائم نوشتاری بود. جنبه دیگری از این عدم تناظر که در نظام نوشتاری عربی نیز دیده می‌شود، کاربرد برخی علائم برای بیش از یک آوا است (مانند «و» و «ی» که به ترتیب برای آواهای [v]، [o] و [u] و آواهای [y] و [i] به کار می‌روند). این مشکل نیز خود، معلول غیبت مصوت‌های کوتاه در زنجیره خطی است.

۳) نظام‌های نوشتاری در دنیا معمولاً ماهیتی بسیار محافظه‌کار دارند؛ به این معنا که اصلاح خط در دنیا معمولاً بسیار به ندرت و در گستره‌ای کاملاً محدود صورت می‌گیرد و خط به هیچ وجه پا به پای زبان دستخوش تغییر و تحول نمی‌شود. اصولاً زبان از سرشتی پویا و همواره متحول برخوردار است. فرایندهای آوایی و نحوی مختلف در زبان، همواره صورتی را به صورت دیگر و ساختی را به ساخت دیگر تبدیل می‌کنند. این فرایندها گاهی آنچنان فراگیر و پرنسآمد می‌شوند که از حالت اختیاری خارج می‌شوند و اعمال شدنشان اجباری می‌گردد. در این وضعیت، صورت یا صورت‌های قبلی، از زبان و در واقع از گفتار (که تجلی فیزیکی زبان به شمار می‌رود) حذف می‌شوند. در عین حال از آنجایی که در آن زبان، نوشتار ممکن است در مقطعی مقدم بر تحول مذکور شکل گرفته باشد، این تحول زبانی در خط منعکس نمی‌شود و خط همچنان صورت قدیمی و در واقع تلفظ تاریخی را نشان می‌دهد. مثلاً در انگلیسی در قرن پانزدهم تحول وسیعی در کیفیت مصوت‌های زبان صورت گرفت که از آن با عنوان «جابجایی مصوتی بزرگ» (Great Vowel Shift) یاد می‌شود. کلماتی مانند great, wise, spade, mouse که در آنها صورت نوشتاری با تلفظ همخوانی و مطابقت ندارد، حاصل تحول مذکور هستند. همچنین در تحول انگلیسی میانه به انگلیسی جدید (قرون ۱۴ تا ۱۶) برخی آواها از گفتار حذف شدند، ولی در نوشتار به صورت «حروف خاموش» (silent letters) همچنان نوشته می‌شوند (مانند night). روشنترین نمونه‌ای که از انعکاس تلفظ تاریخی در نوشتار در زبان فارسی می‌توان به دست داد، تحول آوای «خ همراه با گردش‌دگی لبها» و حذف گردش‌دگی است. این آوا احتمالاً از چند قرن پیش به تدریج در گفتار فارسی‌زبانان تحول یافته است، ولی در برخی زبان‌های محلی همچنان در گفتار حضور دارد. این تحول در کلماتی مانند خواهر، خویش، خواستن، خواب و... دیده می‌شود.

نکته دیگری که در خصوص ماهیت نظام‌های الفبایی در دنیا می‌توان مطرح کرد، به عملکرد اختیاری فرایندهای بسیار متعدد آوایی در گفتار مربوط می‌شود. نظام‌های

الفبایی اصولاً صورتهای قبل از عملکرد فرایندهای مذکور را منعکس می‌کنند و نه صورتهایی را که برونداد فرایندها هستند. مثلاً در زبان فارسی به دلایل آواشناختی خاصی، اگر آوای «ن» قبل از «ب» قرار گرفته باشد، به «م» تبدیل می‌شود؛ مانند شنبه، تنبل، سُنبل، قنبر و... چنین مواردی در نوشتگان زبان‌شناسی، تحت عنوان ضرورت «واج‌نگار» بودن و نه آوانگار بودن خط مطرح می‌شوند («صورتهای واجی» بنا به تعریف، صورتهای زیرساختی قبل از عملکرد فرایندهای آوایی هستند). این تمایز اصطلاح‌شناختی نیز تأییدی بر ضرورت محافظه‌کار بودن و عدم تغییر نظامهای نوشتاری است.

